

بررسی ساختار فیزیکی براق در نگارگری ایران

دکتر علیرضا طاهری*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۷/۱۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۵

چکیده: در روایات است که حضرت محمد^(ص) بر پشت حیوانی مشهور به براق سفر معراج خود را انجام داد. توصیفات گوناگونی از براق وجود دارد: اشهب (سیاه و سفید)، مه از (بزرگتر از) حمار و کم از بغل (استر)، روی او چون مردم، سر او چون سر اسب، گردن او چون گردن شتر، سینه ی او چون سینه ی شیر، پشت او چون پشت شتر، پاهای او چون پاهای گاو دنبالبش (دمش) چون دنبال پیل، زینی بر پشت او از یک دانه مروارید، رکابش از یاقوت سرخ، لگامش از زبرجد سبز... در برخی دیگر از باورهای مسلمانان، براق، مرکبی با سر یک زن یا فرشته و دم یک طاووس تصویر شده است که این تصویر از براق در اغلب نگاره‌ها و مینیاتورهای اسلامی مربوط به معراج به کار رفته است.

اگر چه سیرنویسانی مانند ابن هشام، طبری و ابن سعد بال‌هایی روی پای براق توصیف می‌کنند که با استفاده از آنها پاهایش را به سمت جلو می‌برد، ولی برخی متون قدیمی براق را بدون بال دانسته‌اند. و بعضی روایات متأخرتر صعود حضرت را به کمک براق (که دارای بال بوده) وصف نموده‌اند.

سوالات طرح شده:

۱- براق در حالت کلی در روایات و تصاویر نسخ خطی چگونه توصیف شده است؟

۲- ساختار فیزیکی براق در نگارگری دارای چه ویژگی هائی است؟

فرضیات: مطابق روایات و اشکال گوناگون ارائه شده از براق در نگاره های موجود، می توان براق را یک ترکیب "حیوان-انسان" بشمار آورد که مشخصات ظاهری حیوانی آن بیشتر از انسانی است و در چهار گروه کلی می توان آنها را جای داد: ۱- بدون بال ۲- بال دار ۳- با ظاهر ساجیتر یا قنطورس ۴- با دم طاووس سیمرخ ساسانی. پیشینه تحقیق: در رابطه با ساختار فیزیکی براق و بررسی ویژگی های ظاهری آن و ارایه یک طبقه بندی کلی از آنها، تا کنون تحقیق جامعی صورت نپذیرفته است و بیشتر پژوهش ها حول روایات داستانی معراج و براق بوده است.

اهداف تحقیق: بررسی ساختار ظاهری انواع براق در برخی از نگاره های معراج حضرت محمد^(ص) (به لحاظ فراوانی آثار و محدودیت مقاله، از هر گونه ی براق نمونه ای انتخاب شده است). همچنین ارائه یک طبقه بندی بر اساس ساختار ظاهری و توانایی براق به لحاظ شکلی.

شناخت سیر تحول ظاهر براق به لحاظ توانایی های فیزیکی از اشکال ساده بدون بال تا اشکال پیچیده (فارغ از ترتیب زمانی آثار) و همچنین شباهت ها و اختلافات آنها با نمونه های دیگر موجودات تخیلی می تواند از دستاوردهای این تحقیق به شمار آید.

واژگان کلیدی: براق، حضرت محمد^(ص)، نگارگری، معراج، موجودات تخیلی

مقدمه

در باور و سنت اسلامی اعتقاد بر این است که پیامبر گرامی اسلام بر روی موجودی خارق العاده سوار و سفر شبانه خود "معراج" را انجام داد.

در واقع براق مرکوب حضرت محمد^(ص) است که در برخی از روایات دارای توصیفات و مشخصات متفاوتی است و همین امر سبب شده تا در نگاره‌های مختلف با موضوع معراج، ظاهر گوناگونی از براق تصویر گردد. از دیگر سوی، در عرفان و تصوف نیز "براق" و "معراج" دارای تفاسیر و مفاهیم ویژه ای شده و در برخی از آثار به آن اشاره می‌گردد.

(ابن سینا، ۱۳۶۴، ۱۰۴)

قرآن کریم به سفر شبانه یا معراج اشاره می‌نماید: "پاک و منزّه است آن کس که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پر برکت ساخته ایم- برد. تا برخی از نشانه های خود را به او ارائه دهیم، چرا که او شنوا و بیناست." (الاسراء آیه ۱)

در روایت آمده است که محمد^(ص)، ناگهان صدای آشنای

جبرئیل امین را شنید:

«ای محمد! برخیز! با ما همسفر شو؛ زیرا سفری دور و دراز در پیش داریم. جبرئیل امین، مرکب فضاپیمایی به نام «براق» را پیش آورد. محمد^(ص) این سفر با شکوه و بی سابقه را از خانه ام هانی یا مسجدالحرام آغاز کرد، ولی با همان مرکب به سوی بیت المقدس روانه شد و در مدت بسیار کوتاهی در آن محل فرود آمد.»

(مجلسی، ۱۳۶۳، ۲۲)

داستان معراج از قول رسول اکرم^(ص) در برخی روایات نقل

گردیده است. پیامبر^(ص) فرمود: من در مکه بودم که جبرئیل نزد من آمد و گفت: «ای محمد! برخیز». برخاستم و کنار در رفتم. ناگاه جبرئیل، میکائیل و اسرافیل را در آنجا دیدم. جبرئیل، مرکبی به نام «براق» نزد من آورد و به من گفت: «سوار شو». بر براق سوار شدم و از مکه بیرون رفتم.

(طباطبائی، ۱۳۵۳، ۱۹)

*دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان. taheri121@yahoo.com

◆ براق

بیشتر لغت‌شناسان نام براق را - که هم به صورت مذکر و هم به صورت مؤنث به کار رفته است - از ریشه «بَرَق» دانسته‌اند که به لحاظ سرعت فزون از حد یا سفیدی و درخشش فوق‌العاده رنگ، بر این حیوان نهاده شده است (دمیری، ۱۳۶۴، ۱۶۵).

واژه عربی رُفَرَف (تخت و سریر) را نیز به جای براق به کار برده‌اند. اگر چه دهخدا رُفَرَف و براق را دو مرکب پیامبر در معراج می‌داند و رُفَرَف را تخت روانی دانسته که محمد(ص) را به معراج برده است. (دهخدا، ۱۳۶۱، ۴۰۲۱)

چنانکه گفته شد، توصیفات گوناگونی از براق وجود دارد: اشهب (سیاه و سفید)، مه از (بزرگ تراز) حمار و کم از بغل (استر)، روی او چون مردم، سر او چون سر اسب، گردن او چون گردن شتر، سینه‌ی او چون سینه‌ی شیر، پشت او چون پشت شتر، پاهای او چون پاهای گاو، دنبالش (دمش) چون دنبال پیل، زینی بر پشت او از یک دانه مروارید، رکابش از یاقوت سرخ، لگامش از زبرجد سبز...

در بیشتر روایات آمده که براق جثه‌ای کشیده و بزرگتر از درازگوش و کوچکتر از استر دارد، یال آن پرمو و رنگ پوستش سفید است و در میان حیوانات بهترین رنگ را دارد. این مرکب را اسب نیز خوانده‌اند (قرطبی، ۲۰۵-۲۰۷، دمیری، همان، ۱۶۵؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ۲۹۱).

از بعضی روایات نیز برمی‌آید که براق صورتی چون صورت انسان داشته و مانند انسان آنچه را می‌شنیده، می‌فهمیده است (قرطبی، همان، ۲۰۷؛ مجلسی، همان، ۲۹۰). دوبال کوچک بر روی ران‌های براق و همچنین خصوصیتی از گوش‌ها، چشم‌ها، دم، سم، رکاب و لگام آن ذکر شده است (همان، ۲۹۱).

عجاج، شاعر عهد اموی، نیز در یکی از رجزهای خود به براق لگام شده ابراهیم اشاره کرده است. همچنین براساس چندین روایت از پیامبر اکرم، براق در روز قیامت مرکب آن حضرت خواهد بود (همان، ۲۳۰-۲۳۷).

تصاویری تخیلی (بر مبنای ظواهر روایات و احیاناً با افزودن جنبه‌های اساطیری) از براق، خصوصاً به صورت نگاره، در متن‌های ادبی و تاریخی برجای مانده است که کهن‌ترین آن را در نسخه‌ای خطی از جامع التواریخ متعلق به سال ۷۱۴ (موجود در کتابخانه دانشگاه ادینبرو) می‌دانند.

(The New Encyclopaedia Britannica, 1985, 167)



تصویر ۱: معراج حضرت محمد(ص)، خمسه نظامی، دوره صفوی، قرن دهم هجری، ۷/۱۹۰۳۱ سانتی‌متر، گالری هنری فریر و ساکسر.

از قول امام باقر(ع) نقل شده که این براق هرگاه می‌خواست از کوه به زیر آید، دو دستش بلند و پاهایش کوتاه می‌شد و هرگاه می‌خواست بالا برود، به عکس دو دستش کوتاه و پاهایش بلند می‌شد. (کلینی، ۱۳۴۸، ۳۷۶) این قابلیت فیزیکی خارق‌العاده مسلماً بر عجیب‌الخلقه بودن این موجود تأکید می‌کند.

در فرهنگ‌ها براق بطور مطلق، به معنی اسب آمده و ترکیباتی از قبیل براق برق تاز، کنایه از اسب دونده، براق جم(سلیمان)، کنایه از باد که تخت سلیمان را می‌برد، براق چهارم فلک، کنایه از آفتاب، و براق سیرت نیز به معنی تندرو نیز هست. (یاحقی، ۱۳۷۵، ۱۲۲) علاوه بر این در شعر فارسی نیز نام براق و روایات مربوط به آن آمده است:

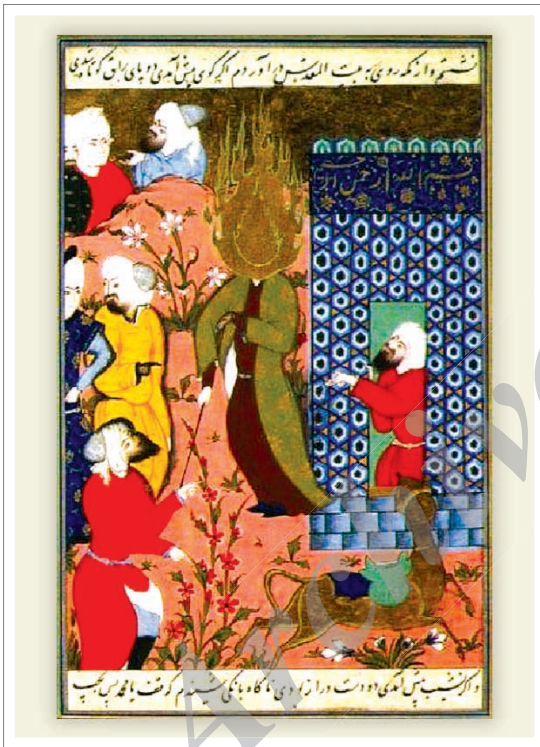
همچنان باز از خراسان آمدی بر پشت پیل
کاحمد مرسل به سوی جنت آمد بر براق (منوچهری)
زین همت در ره سودای عشق
بر براق لامکان خواهم نهاد (عطار)

با توجه به تعداد زیاد نگاره‌هایی با موضوع معراج و براق در نگارگری ایران، تعداد محدودی به عنوان نمونه‌هایی از هر گونه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به صورت آدمیان با ریش و تاج بر سر شرح می دهد. طبری در تفسیر قرآن خود، آن را اسبی با گوش های لرزان توصیف کرده و این سعد گوش های او را دراز و پشت او را کشیده دانسته است. چنانکه که گفته شد، در دیگر روایات او صورتی چون صورت انسان داشته و مانند انسان قادر به فهم آنچه است که می شنود. برخی سبب رنگ سفید براق را، سرعت بیش از حد یا درخشندگی زیاد آن دانسته اند.

◆ ساختار ظاهری براق

اگر چه سیره نویسانی مانند ابن هشام، طبری و ابن سعد بالهایی روی پای براق توصیف می کنند، ولی برخی متون قدیمی براق را بدون بال دانسته اند. بعضی روایات متأخرتر معراج پیامبر^(ص) را به کمک براق (که دارای بال بوده) وصف نموده اند.



■ تصویر ۲ - سفر شبانه، معراج پیامبر، براق بدون بال بر روی زمین قبل از سوار شدن پیامبر^(ص)، نگارگری ایران.



■ تصویر ۲ معراج، پیامبر سوار بر براق در آسمان، خمسه نظامی، اثر سلطان محمد، دوره صفوی، قرن دهم هجری، موزه بریتانیا.

در برخی دیگر از باورهای مسلمانان، براق، مرکبی با سر یک زن یا فرشته و دم یک طاووس تصویر شده، که این تصویر از براق در اغلب نگاره ها و مینیاتورهای اسلامی مربوط به معراج به کار رفته است. در برخی از آثار و روایات بر این توصیفات تاکید شده است همچون مجمع البیان که به توصیف دم چون دم گاو و پاهای شتر مانند و یالی چون یال اسب می پردازد یا این بلخی نیز در فارسنامه صورت براق را

در حقیقت، کتاب مقدس از یک حیوان صحبتی به میان نمی‌آورد، بلکه این مسلمانان بودند که به آن صورتی دیگر بخشیدند و با اضافه کردن برخی از جزئیات دقیق، او را توصیف نمودند. ابن عشاق، می‌خواست سرعت خارق‌العاده‌ای را شرح دهد که پیامبر از زمین به آسمان عروج نمود و بنابراین براق را جانوری با پاهای بالدار شرح می‌دهد؛ برعکس، در مجموعه احادیث، طبری از یک اسب صحبت به میان می‌آورد. برخی دیگر براق را اینگونه توصیف نموده‌اند: حیوانی به رنگ سفید، نیمی از بدن همچون بدن خریا قاطر نر، با چهره انسانی همچون دختر جوان زیبا و گوش‌های بلند و یال‌های پرپشت، و دارای زین و دهنه مزین به سنگ‌ها و فلزات قیمتی. (BERTI, 2000, 127)

مطابق اشکال گوناگون تصویر شده از براق در نگاره‌های موجود، می‌توان براق را به صورت کلی به چندگونه طبقه‌بندی نمود:



تصویر ۴ کامادهنو، زن-گاو، نقاشی پاتا، متعلق به پوری هند.



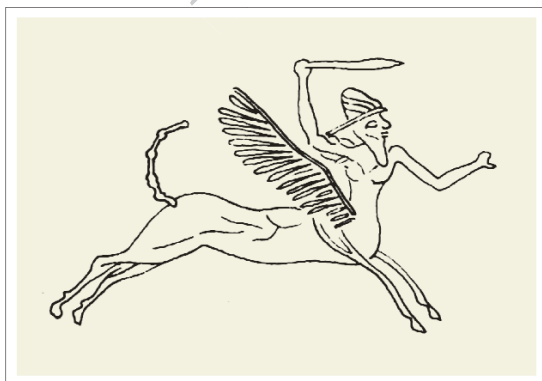
تصویر ۵- موجود ترکیبی 'ببر- زن'، مینیاتور مکتب کانگارا هند، قسمتی از اثر، قرن هجدهم میلادی، موزه پرنس والس، بمبئی.

عجیبش که می‌بایستی وحشی و مهار نشدنی باشد، رام و اهلی است. این را می‌توان از زین و یراقی که بر پشت دارد فهمید. این موضوع نیز دقیقاً بر اساس اعتقادات مذهبی شکل گرفته، بدین معنی که، چنین جانوری مهار نشدنی و سرکش، رام و مطیع پیامبر^(ص) شده است.

این نوع براق (بدون بال) توانائی پرواز را دارد هر چند که فاقد هرگونه وسیله پروازی است و همیشه در حال صعود و پرواز نشان داده شده در حالیکه حضرت محمد^(ص) را سوار بر پشت خود دارد (تصویر ۱ و ۲). در این نگاره‌ها براق بدون بال و همچون چهارچاپان طبیعی، پیامبر^(ص) را بر پشت خود در میان آسمان‌ها حمل می‌کند در حالی که تعداد زیادی فرشته آنها را احاطه نموده‌اند. سر زنانه تاج دار براق طبق سنت معمول از گردن به تنه پیوند خورده است.

با این وجود در برخی از آثار، براق در حال پرواز نیست و در گوشه یا قسمتی از نگاره جای گرفته در حالیکه راکبی ندارد (تصویر ۳). این وضعیت بیشتر مربوط به زمان قبل از شروع معراج است. براق در این نگاره با ظاهری نادر تصویر شده است، سر و گردن از جنس بدن و هم رنگ آن بوده و از صورت زیبای زنانه در اینجا اثری نیست و ظاهر حیوانی بارزتر می‌شود.

براق در بسیاری از نگاره‌ها با صورت زن نشان داده می‌شود. ترکیب "حیوان- زن" دارای سابقه و پیشینه‌ای قدیمی در تاریخ و فرهنگ اعتقادی ملل و به ویژه در باورهای عامه شرقی می‌باشد و می‌توان ترکیباتی از این گونه مشاهده نمود. برای نمونه یک اثر متعلق به هند، یک "کامادهنو" یا "گاو- زن" را نشان می‌دهد که بسیار شبیه به براق است، وی با سری زنانه مزین به زبورآلات و تاجی بر سر، همچون بسیاری از نقوش براق از قسمت گردن به تنه حیوان متصل شده است (تصویر ۴). در نقاشی دیگری از مکتب کانگارا هند، موجودی با ترکیب "ببر- زن" دیده می‌شود (تصویر ۵). در اینجا لازم به ذکر است که اصطلاح "حیوان- انسان" با "انسان- حیوان" دارای تفاوت و اختلاف است.



تصویر ۶: کنتاور بال‌دار، مهر کاسیت، هزاره دوم ق م.

♦ ۱- براق با ظاهر و ترکیب "حیوان- انسان" بدون بال در بسیاری از نگاره‌ها این موجود دارای بدنی از جانوران چهار پا همانند گاو، غزال یا اسب و سر یا نیم‌تنه‌ای از انسان (بیشتر سر زنانه) می‌باشد. معمولاً بر خلاف ظاهر

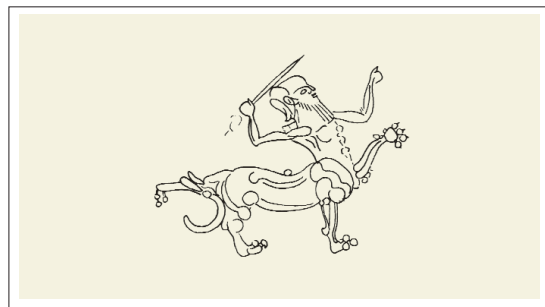
دارای سر گاو، ولی بدن انسانی است که بر روی دو پا به حالت ایستاده معمولاً نشان داده می‌شود و در آن ظاهر انسانی بر حیوانی غالب است.

همانطوریکه گفته شد، گروهی از موجودات ترکیبی، متعلق به ترکیبات "حیوان - انسان" هستند که در آنها ظاهر و مشخصات جانوری متمایزتر است. با این وجود به مختصات و ویژگی‌های انسانی نیز نزدیک می‌باشند. بارزترین نمونه این گروه را می‌توان کنتاور "انسان-اسب" دانست. البته در پاره‌ای از موارد گونه‌هایی از آنها می‌توانند شخصیت جانورگونه مطلق به خود گیرند.

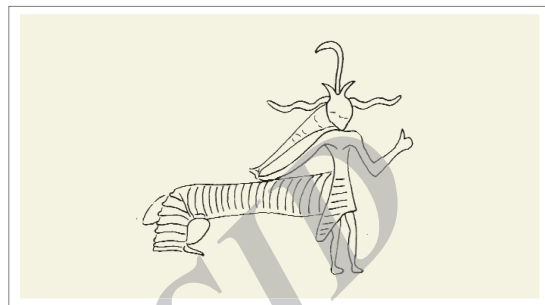
گونه‌ای دیگر که در این گروه می‌توان گنجانند، اسفنکس یا ابوالهول است که دارای سر و گاهی تنه انسان و بدن شیر است. در هنر یونانی سر زنانه جای سرمردانه اسفنکس مصری را گرفته است. براق را می‌توان به لحاظ ساختار ظاهری و نوع ترکیبات بدنی در گروه کنتاور^۲ و اسفنکس^۳ قرار داد.

سانتور، کنتاور یا قنطورس، دارای سر، تنه و دست انسانی بوده، اما پائین تنه شان به سان اسب می‌باشد. بر طبق روایات سانتورها اغلب وحشی و خود سر هستند. اما صاحب خرد و اندیشه‌ای بس اسرارآمیز بوده و از این نظر از آدمیان پیشی گرفته‌اند. (وارنر، ۱۳۸۷، ۳۱۲)

ابوالهول، تندیس مخلوق دو رگه، آمیزه‌ای از انسان با اندام‌های حیوانی، یا بدنی شیر مانند و سری انسان گونه (یا گاه سری به شکل قوش یا قوچ) می‌باشد. (همان، ۱۸۸) اسفنکس یا ابوالهول دارای سر و گاهی تنه انسان و بدن شیر است. در هنر یونانی سر زنانه جای سرمردانه اسفنکس مصری را گرفته است (تصویر ۷).



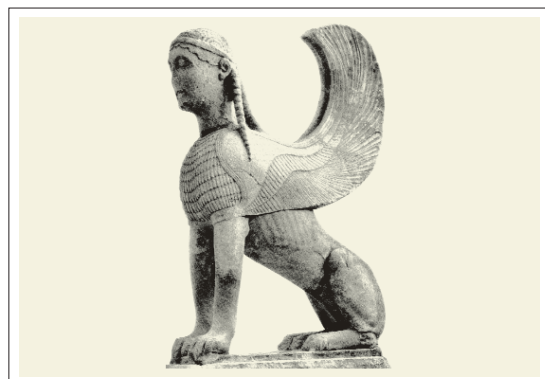
تصویر ۵: کنتاور-شیر، مهر پروتو آشوری، بین النهرین، هزاره دوم ق م.



تصویر ۶: کنتاور-ببر-زن، مهر هندی، هزاره سوم ق م.



تصویر ۶: کنتاور، نقاشی یونانی گلدان، قرن پنجم ق م.



تصویر ۷: اسفنکس، دلف، ۵۷۰-۵۶۰ قبل از میلاد، موزه باستانشناسی دلف.



تصویر ۸: حضرت محمد (ص) سوار بر براق، نگاره احمد موسی، اواسط قرن هشتم هجری، موزه توفقای، استانبول.

در اصطلاح "حیوان - انسان"، ظاهر و مشخصات اجزاء حیوانی موجود بارزتر و شاخص‌تر است، بنابراین لفظ حیوانی را می‌بایستی قبل از انسانی به کار گرفت. در گونه دوم یعنی "انسان - حیوان"، این موضوع واژگونه است به این مفهوم که ویژگی‌های ظاهری و حالت کلی ترکیب به نوع انسانی نزدیک‌تر است، همانند مینوتور یا "انسان-گاو" که

۲- براق با ترکیب "حیوان- انسان" بالدار

از نظر تحول ساختار شکلی هم، براق همان سیر پیشرفت فیزیکی کنتاور و اسفنکس را طی می‌کند. بدین صورت که، گونه‌های بدون بال به اشکال بالدار تبدیل شده و به عنوان نمونه‌های تکامل یافته (که قدرت بیشتری نیز ظاهراً دارند) بوجود می‌آیند (تصاویر ۶ و ۷). در برخی از نگاره‌ها هم براق دارای بال، با شیوه‌های مختلف نقش می‌گردد. همانند براقی که در نگاره احمد موسی ترسیم شده است (تصویر ۸).

در اینجا براق طبق سنت، ترکیبی از تنه حیوانی مانند گاو و سر انسانی زنانه دارای تاج و افسر بر روی سر و همچنین بال‌های ظریفی که به صورتی هماهنگ با دم به طرف بالا برگشته، نمایش داده شده است.

۳- براق "حیوان انسان" با ظاهر ساجیتر (قنطورس)

در گونه‌ای دیگر از براق، ما به نوعی از آن بر می‌خوریم که کمتر مورد استفاده قرار گرفته ولی از بعضی لحاظ با مفهوم کارکردی براق نزدیک تر است. این براق از اشکال بروج فلکی الهام گرفته شده و به ساجیتر^۴ مشهور است.

به لحاظ ساختار بدنی مشابه انواع گفته شده است ولی با این تفاوت که بر روی دم خود نیز نیم‌تنه بالائی یا سر انسانی را حمل می‌کند. یکی از زیباترین تصاویر از منظر ساختار ترکیبی، مربوط به نسخه‌ای از کتاب جامع التواریخ است (تصویر ۹).

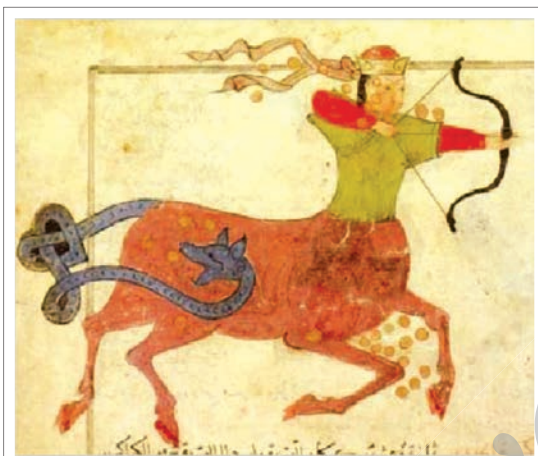
بدن جانور شبیه به استر است ولی برخلاف انواع دیگر، قسمت ترکیبی انسانی از بالاتنه کامل، با بازوان و دستان تشکیل شده و آرایش مو نیز با نمونه‌های دیگر متفاوت است. داشتن دست و بازو، او را به کنتاورهای دست‌دار کلاسیک نزدیک می‌کند (تصویر ۶). فرم نیم تنه زنانه تاجدار عینا بر روی دم مشابه‌سازی شده، در حالیکه یک شمشیر و یک سپر در دستان دارد.



تصویر ۹- محمد^۳ سوار بر براق، مینیاتوری از کتاب جامع‌التواریخ، از کهن‌ترین نگاره‌های معراج، کاغذ پوستی و سده هشتم هجری.



تصویر ۱۰- هشت بروج فلکی، ساجیتر یا ساجیتریوس، یک کپی از عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، القزوينی، قرن یازدهم هجری، مغول‌هند، احتمالاً پنجاب.



تصویر ۱۱- بروج فلکی، ساجیتر، نسخه خطی، عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات.



تصویر ۱۲- قنطورس کمان‌انداز یا ساجیتر، نسخه‌ای از کتاب نجوم، هفتم هجری، کتابخانه ملی فرانسه، پاریس.

نمونه‌هایی از ساجیتر از نسخ دیگر همچون عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات القزوينی، بدون شک بر طراحی و خلق این نوع براق، تأثیر داشته‌است. برخی از آنها را برای مقایسه با تصویر براق می‌توان ملاحظه نمود. (تصاویر ۱۰-۱۱-۱۲)



تصویر ۱۴: نقش سیمرغ از آبدان نقره ای با روکش طلا، ساسانی، قرن ششم میلادی، ارتفاع ۲۳ سانتیمتر، موزه ارمیتاژ.



تصویر ۱۵: پارچه ابریشمین با نقش سیمرغ ساسانی با دم جمع شده به بالای طاووس، قرن ششم و هفتم میلادی.

به لحاظ آسمانی بودن ساجیتر و پرواز او، همچنین سکونتش در آسمانها و افلاک، می توان اذعان داشت که این گونه براق به لحاظ کاربردی به مفهوم براق در مقام مرکوب حضرت محمد^(ص) و گردش شبانه آن حضرت در آسمانها و معراج بسیار نزدیک است. بنابراین می تواند در باورپذیری این داستان نیز مؤثر واقع شود.

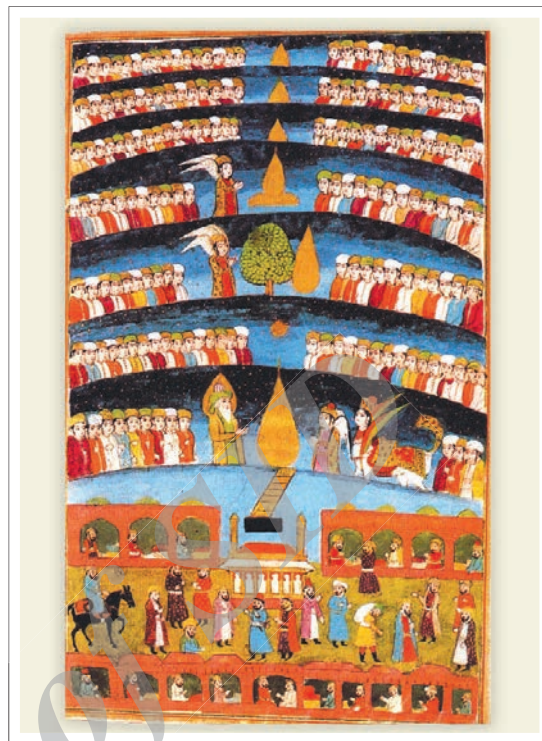


تصویر ۱۶: معراج حضرت محمد^(ص)، براق با دم طاووس، نگاره ایرانی، قرن هشتم هجری، کتابخانه ملی پاریس.

♦ ۱- براق "حیوان-انسان" با دم طاووس سیمرغ ساسانی در بین اشکال براق، گونه‌هایی نیز وجود دارند که دم آنها مانند دم طاووس جمع و برگشته به بالا یا به صورت رها شده ترسیم گشته‌اند. الحاق و در واقع جایگزینی دم طاووس، مفاهیم و نمادهای دیگری بر براق می‌فزایند (تصویر ۱۳). دم طاووس دارای شخصیت خاص خود و بسیار برجسته است. دم این پرنده در هنر بسیاری از تمدن‌ها دارای معانی خاص خود است. طاووس در بسیاری از فرهنگ‌ها بهشت و پردیس، زندگی جاودانه و ابدی روح را نمادپردازی می‌کند. پره‌های رنگارنگش تنوع خلقت را بخاطر می‌آورد. در اسلام، دم گسترده و باز شده طاووس، نماد کهکشان و عالم است.

شیوه نقش‌پردازی دم طاووس جمع شده که برای این‌گونه از براق‌ها استفاده شده بدون شک ملهم از شیوه سیمرغ‌های ساسانی منقوش بر روی ظروف سیمین یا

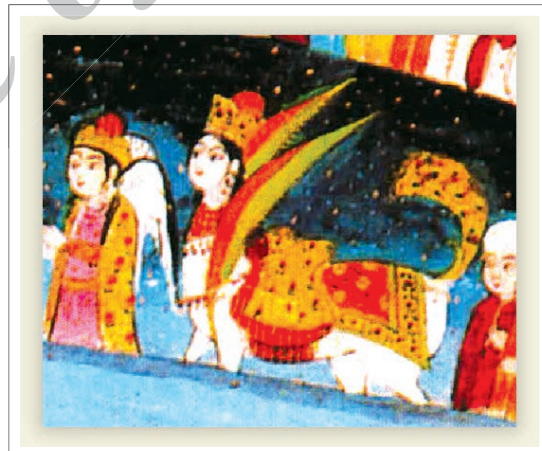
پارچه‌های ابریشمین است (تصویر ۱۵-۱۴). سیمرغ ساسانی بیشتر به سبب دم طاووس جمع شده خود، مشخص است.



دم طاووس سیمرغ ساسانی با طرح‌های گوناگونی تصویر شده است. شیوه‌های مختلف و متمایزی در طراحی آنها وجود دارد که هر کدام به عنوان یک مدل و الگویی مناسب برای هنرمندان قرار می‌گیرد.

طاووس و بویژه شکل دم آن به لحاظ زیبایی و تلون رنگ و همچنین مفاهیم نمادپردازانه، جایگاه والایی در ادبیات و داستان‌های افسانه‌ای، تخیلی و اسطوره‌ای در هنر اسلامی دارند، به گونه‌ای که بسیاری از آثار هنری، تصویرسازی دست‌نوشته‌ها و کتب علمی، ادبی و مذهبی و نگاره‌های دوران مختلف حامل این نقش می‌باشند.

از سوی دیگر، در هنر اسلامی و بطور خاص در نگارگری، مرکوب حضرت محمد^(ص)، یعنی بَراق، در تعداد زیادی از آثار دارای دمی الهام‌گرفته از شکل دم طاووس سیمرغ ساسانی است (تصاویر ۱۷ و ۱۸). در نگاره نسخه کلکسیون کتابخانه نیویورک، براق بدون بال با افسری بر سر بر بالای کعبه ترسیم گردیده و دم بر گرفته از دم طاووس وی به سمت بالا برگشته است. پیامبر^(ص) به گونه‌ای نمادین به صورت انوار و شعله‌های مقدس ملکوتی بر پشت او سوار است. دم طاووس براق در نگاره‌ای منسوب به محمد زمان دیگر کاملاً جمع شده و رو به بالاست، که تداعی سیمرغ ساسانی را می‌کند.



تصویر ۱۶: هفت طبقه آسمان، حمله حیدری، قرن سیزدهم هجری، معراج حضرت محمد^(ص).



تصویر ۱۷: نگاره معراج، حضرت محمد^(ص) تصویر شده به صورت نور وشعله‌های آتش سوار بر براق با دم طاووس برگشته به بالا، حدود ۱۸۰۰ میلادی، کلکسیون کتابخانه عمومی نیویورک.

در هنر ساسانی، سیمرغ همانند یک موجود افسانه‌ای ترکیب شده از چندگونه حیوان است: بطور سنتی، بدن و سر سگ، پنجه‌های شیر، دم طاووس. «سیمرغ که بذرها را می‌پراکند، پرنده غول‌پیکر افسانه‌ای ایرانی است که نماد اتحاد زمین، هوا (آسمان) و آب است» (MODE, 1977, 286) از نگاهی دیگر سیمرغ ساسانی، گونه‌ای از طاووس است با سر و پنجه‌های سگ یا شیر. به همین دلیل، این موجود را در بعضی متون «سیمرغ - طاووس» ذکر نموده‌اند و این اصطلاح مناسب سیمرغ ساسانی است

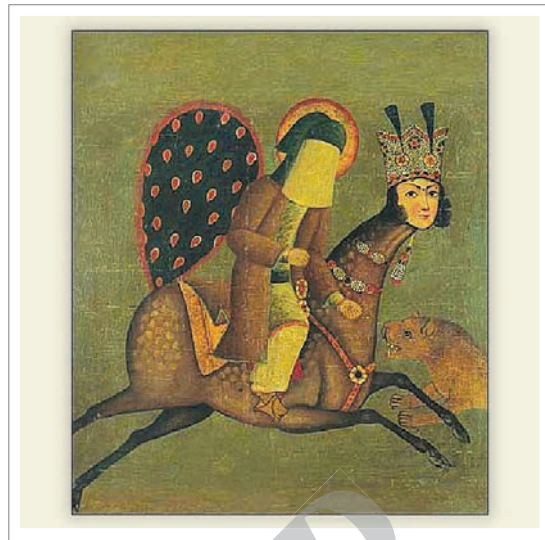
پرواز به آسمان هاست. هرچند که در برخی روایات و نگاره‌ها، براق بدون بال باشد.

با این حال برای باور عامه، بال‌هایی در بعضی از آثار به براق افزوده شده تا این مفهوم عینی شود. گونه دیگر از این جانور افسانه‌ای، به شکل ساجیتر از بروج فلکی الهام گرفته که تقویت مفهوم زندگی در آسمان‌ها و افلاک را تجسم بیشتری می‌بخشد. دیگر گونه آن، ملهم از سیمرغ ساسانی است، دم طاووس جمع‌شده و برگشته سیمرغ جایگزین انواع دیگر دم می‌شود و علاوه بر افزودن مفهومی جدید، نقشی جدید نیز از براق به نمایش می‌گذارد.

در هر حال باید براق را یک ترکیب "حیوان انسان" بشمار آورد که مشخصات ظاهری حیوانی آن بیشتر از انسانی است.

با توجه به نمونه‌های براق منتخب ارایه شده در این مقاله، می‌توان روند شکل‌گیری ساختار بدن را (فارغ از در نظر گرفتن تقدم و تاخر زمانی آثار) و بر اساس قابلیت‌های فیزیکی در چهار گروه کلی معرفی نمود:

- ۱- بدون بال
 - ۲- بال دار
 - ۳- با ظاهر ساجیتر یا قنطورس
 - ۴- با دم طاووس سیمرغ ساسانی
- البته می‌توان گونه‌های دیگر بر این گروه افزود و آن هم براق با ترکیب دو یا سه گروه با هم می‌باشد، مانند ترکیب براق بال‌دار با دم طاووس که در شماره ۲ دیده می‌شود.



تصویر ۱۸ براق با بدن اسب، سر انسانی و دم طاووس سیمرغ ساسانی، منسوب به محمد زمان، موزه آستان قدس رضوی.

نتیجه‌گیری

براق یکی از مهم‌ترین موجودات خارق‌العاده است که در بسیاری از روایات مربوط به معراج حضرت محمد (ص) به آن اشاره شده و صفات و مشخصات آن به گونه‌های مختلف شرح و بسط یافته است. مسلماً برای انجام چنین گردش شبانه در دنیای فرامادی توسط پیامبر گرامی اسلام، احتیاج به چنین موجودی که دارای توانایی‌های عجیب و خارق‌العاده باشد ضروری است. یکی از صفات و توانایی‌های آن که همگی بر آن متفق‌القول هستند، بدون شک توانایی

نمودار گروه بندی نمونه‌هایی از انواع براق به لحاظ ساختار بدن

گروه	نمونه براق	نام گروه	قرن	مشخصات
اول		بدون بال	قرن دهم هجری	فاقد بال، سر زنانه تاج دار با حالتی فاخرانه متصل از گردن به تنه و بدن متشکل از اسب، غزال، استر یا سایر چارپایان ولی دارای قابلیت پرواز با دم شبیه به شیر یا ستوران
دوم		بال دار	قرن هشتم هجری	گونه بال دار با توانایی‌ها و مشخصات در نظر گرفته شده در گروه اول
سوم		ساجیتر قنطورس	قرن هشتم هجری	براق با شکل ساجیتر، نیم تنه زنانه متصل از کمر به تنه اسب، با دست و بازوان انسانی، دم مشابه با نیم تنه جلویی
چهارم		با دم طاووس سیمرغ ساسانی	قرن هشتم هجری	براق با دم طاووس برگشته به بالا متأثر از سیمرغ ساسانی، با مشخصات گروه اول

◆ پی نوشت‌ها

۱- رسول گفت: شب دوشنبه از ماه ربیع الاول، به مکه، در خانه ام هانی (خواهر علی^ع) شدم به تجهد (بیدار ماندن در شب)، چون از نماز فارغ شدم سر فرو نهادم. جبرئیل بیامد، گفت: خدای ترا سلام می رساند... امشب شب معراج توست. مرا فرستاده است تا تو را ببرم و ملکوت هفت آسمان و هفت زمین و عجایب آن - از عرش تا تحت‌الثری - به تو بنمایانم.

من برخاستم و ... بیرون آمدم با جبرئیل، میکائیل را دیدم با هفتاد هزار فریشته بر یک سو ایستاده و اسرافیل از دیگر سو با هفتاد هزار فریشته، و براقی در میان بداشته... میکائیل لگام او گرفت و پیش من آورد. جبرئیل گفت: این براق، حق، از بهشت، ترا فرستاده است. من قصد کردم بر او نشینم، براق، پشت بر آورد، بدان مانسته که به آسمان رسید. جبرئیل گفت یا براق، نمی دانی که این سوار کیست؟ سید اولین و آخرین، محمد مصطفی (کلینی، ۱۳۴۸، ۱۳۷۶)

2- Centaur

3- Sphinx

۴- Sagittaire. نهمین صورت فلکی ساجیتر است که به صورت نیمه انسان و نیمه اسب با تیر و کمانی در دست نشان داده می شود. در فرهنگ اساطیری یونان ساجیتر، کنتاور یا قنطورس معرفی شده است. با وجود این در برخی منابع او را با کرونوس و حتی شیرون (که خود با صورت فلکی کنتاور ارتباط دارد) نسبت می دهند. (COMMELIN, 1994, 116)

◆ فهرست منابع

- ۱- ابن اثیر، *النهاية في غريب الحديث والاثر*، چاپ طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناحی، قاهره، ۱۳۴۴.
- ۲- ابن بلخی، *فارس نامه*، گی لسترنج و رینولد آلن نیکلسون، چاپ افست، تهران، ۱۳۶۳.
- ۳- ابن سینا، *معراج نامه ابوعلی سینا*، چاپ نجیب مایل هروی، مشهد، ۱۳۶۴.

۴- دمیری محمدبن موسی، *حياة الحيوان الكبرى*، چاپ افست، قم، ۱۳۶۴.

۵- دهخدا علی اکبر، *لغت نامه*، زیر نظر محمد معین، تهران، ۱۳۶۱.

۶- طباطبائی محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، ۱۳۵۳.

۷- کلینی، *الروضة من الکافی*، تصحیح علی اکبر الغفاری، ج دوم، تهران، ۱۳۴۸.

۸- قرطبی محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، چاپ افست، تهران، ۱۳۶۴.

۹- مجلسی محمدباقرین محمدتقی، *بحارالانوار*، بیروت، ۱۳۶۳.

۱۰- وارنر رکس، *دانشنامه اساطیر جهان*، برگردان: ابوالقاسم اسماعیل پور، نشر اسطوره، تهران، ۱۳۸۷.

۱۱- یاحقی محمد جعفر، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، سروش، تهران، ۱۳۷۵.

12- BERNUS-TAYLOR Marthe, **Arabesques et Jardins de Paradis**, éditions de la Réunion des musées nationaux, Paris, 1990.

13- BERTI Giordano, **Les mondes de l'Au-delà**, éditions Gründ, Paris, 2000.

14- COMMELIN P., **Mythologie grecque et romaine**, éditions Pocket, Paris, 1994.

15- CURATOLA Giovanni, **La Grande Histoire de l'Art, L'Islam**, éditions Mediasat group, Paris, 2007.

16- GRAY Basil, **La Peinture Persane**, éditions d'Art Albert Skira, Genève, 1961.

17- MODE Heinz, **Démons et Animaux fantastiques**, éditions Leipzig, Allemagne, 1977.

18- SCHAEFFNER Claude, **La peinture islamique et indienne**, éditions rencontre Lausanne, 1967.

19- **The New Encyclopaedia Britannica**, Micropaedia, Chicago, s.v. "Buraq , al-Burak", 1985.

20- <http://www.asia.si.edu/collections/default.asp>

21- <http://www.bl.uk/onlinegallery/sacredtexts/nizami.htm>

22- <http://www.usna.edu/Users/humss/bwheeler/prophets/muhammad.html>

23- <http://digitalgallery.nypl.org/nypldigital/>

24- <http://www.astangodsrazavi.org/>

